

بنام گوینده دانا

ستایش پاک یزدان را سزاوار که از روشنی آفتاب
بخشش جهانرا روشن نمود * از با بحر اعظم هویدا * و از ها
هویه بحته * اوست توانائیکه توانائی مردم روزگار او را از
خواست خود باز ندارد * و لشگرهای پادشاهان از گفتارش
منع ننماید * نامهات رسید دیدیم * و ندایترا شنیدیم * در نامه
لآلی محبت مکنون و اسرار مودت مخزون * از داور بیهمال
میطلبیم ترا تأیید فرماید بر نصرت امرش * و توفیق بخشد تا
تشنگان دشت نادانی را به آب زندگانی برسانی * اوست بر
هر امری قادر و توانا * آنچه از دریای دانائی و خورشید
بینائی سؤال نمودی باجابت مقرون *

(پرسش نخستین) نخست پرستش یکتای یزدانرا بچه
زبان و رو بکدام سو بنمائیم شایسته است * آغاز گفتار
پرستش پروردگار است * و این پس از شناسائیست * چشم
پاک باید تابشناسد * و زبان پاک باید تا بستاید * امروز
روهای اهل دانش و بینش سوی اوست * بلکه سویها را جمله
رو بر سوی او * شیر مرد از خداوند میخواهیم مرد میدان

باشی * و بتوانائی یزدان بر خیزی و بگوئی * ای دستوران
گوش از برای شنیدن راز بی نیاز آمده و چشم از برای دیدار
چرا گریزانید * دوست یکتا پدیدار * میگوید آنچه را که
رستگاری در آنست * ای دستوران اگر بوی گلزار دانائی را
بیابید جز او نخواهید * و دانای یکتا را در جامه تازه بشناسید
* و از گیتی و گیتی خواهان چشم بردارید و بیاری بر خیزید
*

(پرسش دوم) در کیش و آیین بوده * امروز کیش
یزدان پدیدار * جهاندار آمد و راه نمود * کیشش نیکوکاری *
و آیینش بردباری * این کیش زنده‌گی پاینده بخشد * و این آیین
مردمانرا بجهان بی نیازی رساند * این کیش و آیین دارای
کیشها و آیینهاست * بگیری و بدارید *

(پرسش سوم) با مردم روزگار که جدا جدا کیشی
گرفته‌اند و هر یک کیش و آیین خویشرا پیشتر و بهتر از
دیگری دانند چگونه رفتار نمائیم که از دست و زبان ایشان در
رنج و آزار نباشیم * ای شیر مردمان رنجا در راه حضرت
یزدان راحت دان * هر دردی در راه او درمانیست بزرگ *
و هر تلخی شیرین * و هر پستی بلند * اگر مردمان بیابند و

بدانند جان رایگان در راه این رنج دهند این رنج مفتاح گنج
است اگر در ظاهر منکر است در باطن پسندیده بوده و هست
* گفتار ترا پذیرفتیم * و تصدیق نمودیم چه که مردمان
روزگار از روشنائی آفتاب داد محرومند * داد را دشمن
میدارند * اگر بی رنجی طلبی این بیان که از قلم رحمن جاری
شده قراءت نما * إلهی إلهی أشهد بفردانیتک و وحدانیتک
أسألك يا مالک الأسماء و فاطر السَّماء بنفوذ کلمتک العلیا و
إقتدار قلمک الأعلى أن تنصرنی برایات قدرتک و قوتک و
تحفظنی من شرّ أعدائک الذین نقضوا عهدک و میثاقک إنک
أنت المقتدر القدير * این ذکر حصنی است متین و لشگریست
مبین حفظ نماید و نجات بخشد *

(پرسش چهارم) در نامهای ما مژده داده‌اند شاه بهرام
با نشانهای زیاد از برای رهنمائی مردمان میآید الی آخر بیان
* ای دوست آنچه در نامها مژده داده‌اند ظاهر و هویدا گشت *
نشانها از هر شطری نمودار * امروز یزدان ندا مینماید و کلّ
را بمینوی اعظم بشارت میدهد * گیتی بانوار ظهورش منور
و لکن چشم کم یاب * از یکتا خداوند بیمانند بخواه بندگان خود
را بینائی بخشد * بینائی سبب دانائی و علت نجات بوده و
هست * دانائی خرد از بینائی بصر است * اگر مردمان بچشم

خود بنگرند امروز جهانرا بروشنائی تازه روشن بینند * بگو
خورشید دانائی هویدا * و آفتاب بینش پدیدار * بختیار آنکه
رسید و دید و شناخت *

(پرشش پنجم) از پل صراط و بهشت و دوزخ بوده *
پیمبران براستی آمده‌اند و راست گفته‌اند آنچه را پیک یزدان
خبر داده پدیدار شده و میشود * عالم بمجازات و مکافات برپا
* بهشت و دوزخ را خرد و دانائی تصدیق نموده و مینماید چه
که وجود این دو از برای آن دو لازم * در مقام اول و رتبه
اولی بهشت رضای حق است * هر نفسی برضای او فائز شد
او از اهل جنّت علیا مذکور و محسوب * و بعد از عروج
روح فائز میشود بآنچه که آمه و خامه از ذکرش عاجز است
* صراط و میزان و همچنین جنّت و نار و آنچه در کتب الهی
مذکور و مسطور است نزد اصحاب بصر و مردمان منظر
اکبر معلوم و مشهود است * حین ظهور و بروز انوار
خورشید معانی کل در یکمقام واقف و حق نطق میفرماید بآنچه
اراده میفرماید * هر یک از مردمان که بشنیدن آن فائز شد و
قبول نمود او از اهل جنّت مذکور * و همچنین از صراط
و میزان و آنچه در روز رستخیز ذکر نموده‌اند گذشته و رسیده
* و یوم ظهور یوم رستخیز اکبر است * امید هست که آنجناب

از رحیق وحی الهی و سلسبیل عنایت ربّانی بمقام مکاشفه و شهود فائز شوند و آنچه ذکر نموده‌اند ظاهر را و باطنا مشاهده نمایند *

(پرسش ششم) پس از هشتن تن که روان از تن جدا شده بآن سرا شتابد الی آخر * در اینمقام چندی قبل از خامه دانش ظاهر شد آنچه که بینایان را کفایت نماید و اهل دانش را فرح اکبر بخشد * برآستی میگوئیم روان از کردار پسندیده خوشنود میشود * و داد و دهش در راه خدا باو میرسد *

(پرسش هفتم) از نام و نژاد و نیاکان پاک نهاد بوده * ابوالفضل گلپایگانی علیه بهائی در این باب از نامهای آسمانی نوشته آنچه که آگاهی بخشد و بر بینائی بیفزاید آیین یزدان با قوّت و نیرو بوده و هست زود است آنچه از زبان گفته شد در ظاهر دیده شود * از خداوند میخواهیم ترا بر یاری نیرو بخشد * اوست دانا و توانا * اگر آنجناب سوره رئیس و سور ملوک را بیابد و بخواند از آنچه سؤال نموده بی نیاز گردد و بخدمت امر الهی قیام نماید قیامیکه ظلم عالم و قوّت امم او را از نصرت مالک قدم منع نکند از حقّ میطلبیم شما را تأیید فرماید بر آنچه سبب بلندی و بقای نام است * جهد نمائید شاید بسور

مذکورہ ہم برسید و از لالی حکمت و بیان کہ از خزینہ قلم
رحمن ظاہر شدہ قسمت برید و نصیب بردارید * البہاء علیک
و علی کلّ ثابت مستقیم و راسخ امین *